

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

صص ۱۱۷-۱۳۰

خشم صفت- حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته جمعی

فریبرز نیکدل، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه یاسوج*

علی اکبر پیراسته مطلق، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین خشم صفت- حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویر احمد انجام شده است. روش: روش پژوهش غیر آزمایشی از نوع همبستگی بوده است. برای رسیدن به هدف فوق، از جامعه آماری تحقیق که عبارت است از کلیه شهروندان ۴۰-۱۵ ساله استان کهگیلویه و بویر احمد، ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از پرسشنامه‌های گرایش به نزاع دسته‌جمعی، سیاهه بروز خشم صفت- حالت اسپیلبرگر و طرح‌واره‌های شناختی پرخاشگرانه، با آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج نشان داد بین متغیرهای خشم صفت- حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در حالی که بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی ارتباط منفی و معناداری وجود داشت. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد متغیر خشم حالت، کنترل خشم درونی و خشم صفت به ترتیب بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به نزاع دسته جمعی بودند. نتیجه‌گیری: خشم حالت و شیوه‌های کنترل درونی یا بیرونی خشم می‌توانند گرایش افراد به نزاع دسته جمعی را پیش‌بینی کنند. واژه‌های کلیدی: خشم صفت، خشم حالت، شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی

مقدمه و بیان مسأله

۱۳۸۳).

با توجه به پیامدها و خساراتی که نزاع دسته‌جمعی به همراه دارد، محققان تلاش داشته‌اند ریشه‌ها و علل بنیادین این مسأله را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. در این زمینه فرض می‌شود که متغیرهای خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی به شمار می‌روند. خشم معمولاً به یک حالت هیجانی روانی-جسمی یا وضعیتی اطلاق می‌گردد که احساساتی را که از نظر شدت از تحریک‌پذیری و رنجش خفیف تا غیظ و غضب شدید تغییر می‌کند، شامل می‌گردد. برای متغیر خشم، باید احساس خشم را با بیان خشم (که خود را به شکل رفتارهای پرخاشگرایانه نشان می‌دهد) متمایز کنیم. بر همین اساس می‌توان افراد را بر حسب شیوه بیان خشم به دو گروه تقسیم کرد: در حالی که گروهی از افراد خشم خود را سرکوب کرده، آن را به سمت دورن جهت می‌دهند و بر «خود» متمرکز می‌کنند (بیان خشم به طرف درون)، گروه دیگر تمایل دارند تا خشم خود را به طرف بیرون جهت داده، آن را بر افراد و پدیده‌های محیطی متمرکز کنند (بیان خشم به طرف بیرون) (اصغری مقدم، حکیمی‌راد و رضا زاده، ۱۳۸۷: ۲۲). یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی و فردی تأثیرگذار بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی، شیوه‌های مهار و کنترل خشم است. علاوه بر شیوه بیان خشم، شیوه کنترل خشم در رفتارهای پرخاشگرایانه و گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی دارای اهمیت است، به همین خاطر، امروزه در برنامه‌های آموزشی برای کاهش رفتار پرخاشگرایانه بر مهارت‌های مدیریت و کنترل خشم تأکید فراوان می‌شود (ابوئی مهریزی، طهماسبیان و خوش‌کنش، ۱۳۸۹: ۳۹۳-۴۰۴). بنابراین، از طرفی در جوامع مختلف نزاع‌های دسته‌جمعی همیشه به عنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است، از طرف دیگر، با توجه به فراوانی نزاع‌های دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد، یکی از علت‌های عدم توسعه استان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی همین نزاع‌ها و درگیری‌های دسته‌جمعی است. از این رو،

درگیری‌های قومی و نزاع‌های دسته‌جمعی در هر دوره‌ای از تاریخ وجود داشته و در جوامع سنتی و ایلی این موضوع بیشتر نمود داشته است. شاید ضعف کنترل‌های خانوادگی و اجتماعی یا نبود قوانین جزایی متقن یا عدم اجرای درست آن از سوی متولیان امر و ... خود علتی است که افراد هر جامعه‌ای برای رسیدن به خواسته قانونی و غیرقانونی خود، قوم و طایفه خود را برای نزاع جمعی گسیل سازند. این مسأله در گذشته و امروز، منشأ خسارات جانی و مالی فراوان شده، مانع توسعه اجتماعی بوده است (ربانی، عباس‌زاده و نظری، ۱۳۸۳: ۱۰۴). در تحقیق حاضر، منظور از نزاع دسته‌جمعی، درگیری یا دعوی است که معمولاً با انگیزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درون یا بین جوامع مختلف به طور محدود یا گسترده یا به صورت مسلحانه یا غیر مسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد که معمولاً به وارد آمدن خساراتی مادی و معنوی منجر می‌شود. به عبارتی، نزاع برخورد‌های جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرایانه‌ای است که به علل گوناگون به وجود آمده و موجبات عدم ثبات اجتماعی را فراهم می‌سازد (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳۷۵).

پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر، با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسأله‌ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاع جمعی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پابندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری،

آنها را از افراد پیرو قانون متمایز می‌ساخت (ستوده، ۱۳۸۲). نظریه کروموزوم XY نظریه‌ای است که بزهکاری را با نوعی ساخت کجروانه ژنتیک مرتبط می‌داند. نظریه تراسلر^۲، که تلفیق نظریه ژنتیک با عوامل محیط اجتماعی مهم‌ترین نکته تئوری او می‌باشد، بر دو عامل مهم تأکید دارد: از یک طرف عوامل ژنتیک مثل: دورن‌گرا و برون‌گرا بودن و دوم نوع شرطی شدن است (ممتاز، ۱۳۸۱). به طور کلی، کانون اصلی توجه در تبیین‌های زیست‌شناختی انحراف و جرم، آسیب‌پذیری‌های ژنتیک، اضافات کالبدی، ناهنجاری‌های کروموزومی و غیره است و حتی گاه نژاد را علت کجروی می‌دانند. با این حال امروزه توجیحات زیستی کجروی شدیداً مورد انتقاد است (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹).

نظریه‌های روان‌شناختی

تبیین‌های روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خود و ویژگی‌های شخصیتی تأکید دارند. برخی دیدگاه‌های روان‌شناختی به پیروی از فروید، کجروی را ناشی از نوعی اختلال روانی می‌دانند (بخارایی، ۱۳۹۰). اصولاً چهار دیدگاه در تبیین‌های روان‌شناختی وجود دارد:

۱. روان‌پویایی

۲. شناختی

۳. الگوهای نارسایی شخصیت

۴. نظریه‌های انگیزشی

در دیدگاه اول یعنی؛ روان‌پویایی دو الگو مطرح است: الف) الگوهای روان‌کاوی که به پیروی از فروید به وجود زمینه‌های روانی و زیربنایی در فرد از کودکی برای یک زندگی کجروانه مدعی است. ب) نظریه دلبستگی جان بالبی مبنی بر اختلال در پیوند مادر و نوزاد و دورماندن کودک در حال رشد از والدین به ویژه مادر به عنوان علت عمده شکل‌گیری بزه‌های نوجوانان (همان).

توصیف و تبیین عوامل مؤثر در نزاع‌های دسته جمعی هم از لحاظ اجتماعی و خانوادگی و هم از لحاظ فردی حایز اهمیت است، هدف پژوهش حاضر نیز، مطالعه نقش خشم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی است.

مبانی نظری پژوهش

بررسی پیشینه، سوابق و ادبیات موضوع مورد نظر که تحقیق مورد نظر را با تحقیقات گذشته و مرتبط با موضوع پیوند می‌دهد، یکی از مهم‌ترین مراحل پژوهش اجتماعی می‌باشد. در این بررسی نزاع دسته جمعی به عنوان یک نوع انحراف اجتماعی نگریسته شده که بررسی و مطالعه نظریات انحرافات و کج‌رفتاری‌های اجتماعی را ضروری می‌نماید. در اینجا برای بررسی دقیق‌تر، از نظریه‌های زیست‌شناسی انحرافات، نظریه‌های روان‌کاوی پرخاشگری، تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات بهره گرفته خواهد شد.

نظریه‌های زیست‌شناختی

برخی آسیب‌شناسان اجتماعی بر این باورند که عوامل زیست‌شناختی مانند نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی را باید علت کجروی اجتماعی دانست، اگرچه نظریه‌های زیست‌شناختی در رابطه با رفتار انحرافی در قرن نوزدهم توسعه یافتند، ولی به لحاظ تاریخی تحلیل‌های زیست‌شناختی در مورد جرایم صدها سال قبل نیز وجود داشته است (احمدی، ۱۳۸۴). از پیشگامان این نظریه می‌توان سزار لمبروزو^۱ را نام برد. لمبروزو متوجه شده بود که اغلب جنایت‌کاران و کجروان اجتماعی در ساختمان بدنی خود دارای نقایصی هستند، بنابراین، طبق نظریه او جنایت‌کاران تابع عوامل و نیروهایی هستند که بیرون از اراده آنان است. بروکا، مدعی کشف ویژگی‌هایی در جمجمه و مغز جنایت‌کاران گردید که

² Trasler

¹ Cesare Lombroso

رفتارهای انحرافی در فرآیندهای کنش متقابل، مشاهده و یادگیری رفتارهای انحرافی، ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری، ناکارآمدی جریان کنترل‌های اجتماعی دورنی و بیرونی و غیره می‌باشد. نظریه‌های عمده‌ای که در این دسته قرار می‌گیرند، را می‌توان نظریه‌های: الگوهای کنترل اجتماعی، نظریات یادگیری اجتماعی، رویکرد کنش متقابل، نظریات برچسب زنی و نظریات پدیدارشناسی دانست (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶).

نظریه‌های جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسان در تبیین کجروی‌ها و رفتارهای انحرافی از سوی افراد و گروه‌ها بر محیط و شرایط اجتماعی تأکید می‌کنند و علل چنین آسیب‌هایی را در خود جامعه و نهادهای اجتماعی جستجو می‌نمایند. به گفته گیدنز^۲ یک تبیین رضایت بخش ماهیت جرم باید تبیین جامعه‌شناختی باشد، زیرا ماهیت جرم به نهادهای اجتماعی جامعه بستگی دارد. یکی از جنبه‌های تفکر جامعه‌شناختی درباره جرم تأکید بر ارتباطات متقابل میان هم‌نوایی و کجروی در زمینه‌های اجتماعی مختلف است. جوامع امروزی خرده فرهنگ‌های بسیار متفاوتی دارند و رفتاری که با هنجارهای یک خرده فرهنگ خاص هم‌نوایی دارد، ممکن است خارج از خرده فرهنگ، کجروانه تلقی شود (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹).

به طور کلی نظریات جامعه‌شناختی با دو رویکرد وفاق اجتماعی و تضاد بر نقش محیط اجتماعی در شکل‌گیری انحرافات تأکید نموده‌اند. در ادامه برخی نظریات جامعه‌شناختی مانند نظریه آنومی دورکیم و مرتن، نظریه ناکامی منزلی آلبرت کوهن، نظریه فضای عاطفی خانواده دوروتی لاونولث، نظریه دورن فهمی کزرفتاری دیوید ماتزا، دیدگاه بوم‌شناختی، تئوری محرومیت نسبی، نظریه ناکامی - ستیزه جویی دولارد، نظریه تالکوت پارسونز و نظریه تضاد گروهی ولد به صورت خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرند (همان).

در دیدگاه دوم یعنی؛ شناختی دو نظریه مهم مطرح است: الف) نظریه الگوهای تفکر مجرمانه. این نظریه با تکیه بر دو اصل تقدم و پیش‌بودن شناخت بر رفتار و تفاوت بنیادی مجرمان با غیرمجرمان، مجرم شدن را محصول گزینش‌های فرد در سال‌های آغازین زندگی می‌داند. ب) نظریه تعارض شناختی که در آن، فرد با بدیل‌هایی کمابیش مشابه روبرو می‌شود و یکی را بر می‌گزیند (همان).

در دیدگاه سوم یعنی؛ الگوهای نارسایی شخصیت دو نظریه مطرح است: الف) الگوی شخصیت روان رنجور که مدعی است روان رنجوران، شخصیتی جامعه‌پذیر نشده دارند و به نوعی به بی‌وجدانی دچارند. ب) نظریه شخصیت آیزنک: شخصیت‌های برون‌گرا، روان‌نژندخو و روان‌پریش‌خو، سه گونه نابهنجار شخصیت‌اند که آیزنک آنها را معرفی کرده است. در این افراد، در اثر اختلال در روند یادگیری، یک وجدان معیوب که بر احتمال درگیر شدن فرد در جرم می‌افزاید، شکل گرفته است (همان).

در دیدگاه چهارم یعنی نظریه‌های انگیزشی، نظریه نیازهای اساسی مطرح است، که آبراهام مازلو^۱ پنج نوع از نیازهای انسان را اساسی دانسته و بر آن است که تا این نیازها ارضا نشوند نیازهای متعالی‌تر برای افراد، مطرح و ارضا نخواهد شد. این نیازها عبارتند از: جسمی، ایمنی، عشق و تعلق، احترام و خودشکوفایی (همان).

نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی

نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی را می‌توان به عنوان پلی ارتباطی نظریه‌های روان‌شناسی و فردگرایی غالب بر آن و نظریه‌های جامعه‌شناختی و محیط‌گرایی غالب بر این نظریه‌ها دانست. نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی اصولاً کجرفتاری‌ها را بر اساس جنبه‌های مختلف کنش متقابل موجود در دوران موقعیت‌های اجتماعی که انحرافات در آن رخ می‌دهند، مطالعه می‌کنند. در این نظریات آن چه که مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان علل کجرفتاری بیان می‌گردد، شکل‌گیری

² Giddens

¹ Maslow Abraham

پیشینه پژوهشی

با توجه به اینکه خشونت و پرخاشگری مؤلفه تأثیرگذاری در نزاع‌های دسته جمعی است، اشکال مختلف بیان خشم و نیز پیامدهای آن در پژوهش‌های بنیادی و کاربردی روان‌شناختی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، شیوه‌های مدیریت و کنترل خشم به عنوان خصیصه‌های شخصیتی می‌توانند نقطه عطف بسیاری از اختلالات و آسیب‌های اجتماعی مثل خشونت، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، پرخاشگری، سوء مصرف مواد و درگیری‌های دسته جمعی باشند.

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که خشم مهار نشده، نه تنها سازگاری و سلامتی افراد را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد، بلکه همواره تعداد فراوانی از مسائل بین‌فردی و اجتماعی وجود داشته است که از این هیجان متأثر شده و خشونت و پرخاشگری قابل پیش‌بینی‌ترین پیامد آن است (نویدی، ۱۳۸۵؛ لایو، ۲۰۰۱؛ داهلن و دیفن باخر، ۲۰۰۱؛ کالاماری و پینی، ۲۰۰۳).

ربانی، عباس‌زاده و نظری (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی نشان دادند که پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی تأثیر فزاینده دارد و متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع دسته جمعی، تأثیر کاهنده دارد.

همچنین، نتایج پژوهش رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) نشان داد که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معنادار مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تأهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع‌های دسته جمعی می‌باشد.

نظری (۱۳۸۶) نیز با تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش

به نزاع جمعی در استان ایلام، نشان داد که متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی تأثیر معنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات تأثیر معنادار منفی بر گرایش به نزاع دارند.

در تحقیق دیگری که در استان کهگیلویه و بویراحمد توسط میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) در رابطه با عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع دسته جمعی به انجام رسیده است، مشخص شده است که متغیر اعتماد اجتماعی تأثیری بر گرایش به نزاع دسته جمعی ندارد، ولی خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع دسته جمعی دارد.

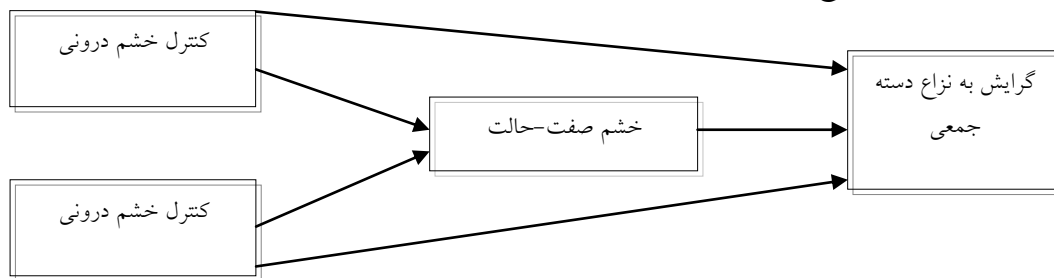
تحقیقات نشان داده است که آثار ضعف و کاستی در مدیریت خشم، فراتر از ناراحتی‌های شخصی و تخریب روابط بین‌فردی، می‌تواند منجر به اختلال در سلامت عمومی، بروز ناسازگاری عمومی و پیامدهای زیانبار رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود و در صورتی که این هیجان نیرومند به درستی مهار نشود، می‌تواند مانع موفقیت همه جانبه و کارکرد بهینه افراد، گروه‌ها و جوامع شود (نویدی و برجلی، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۵ و بقایی لاکه و خلعتبری، ۱۳۸۹: ۱-۹).

شکوهی‌یکتا، به‌پژوه، غباری بناب، زمانی و پرند (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم بر کنترل خشم مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و دیرآموز، دریافتند که آموزش مدیریت خشم بر کاهش خشم و افزایش استفاده از راهبردهای کنترل خشم تأثیر مثبت دارد.

نتایج پژوهش کلاتنری، قزلباش و جباری (۱۳۸۹) در رابطه با تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرایم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان، نشان داد که توزیع جرایم مورد بررسی در سطح شهر زنجان از نظر آماری توزیعی کاملاً متمرکز و خوشه‌ای دارد. همچنین، نارسایی و عدم تناسب شبکه معابر و شبکه‌های ارتباطی، تعدد و تنوع جمعیت، فعالیت‌ها و کارکردها و اصطکاک بیشتر افراد و وجود زمینه

اساس مبانی نظری و پژوهشی تحقیق انتخاب شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند (شکل ۱). از این رو، علاوه بر هدف کلی پژوهش، که به بررسی نقش خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی می‌پردازد، فرضیه‌ها و سؤال‌های زیر نیز مورد مطالعه قرار خواهند گرفت:

- (۱) بین خشم صفت-حالت با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
- (۲) بین شیوه‌های کنترل خشم با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
- (۳) کدام یک از متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی پیش‌بینی کننده بهتری برای گرایش به نزاع دسته جمعی می‌باشند؟
- (۴) رابطه بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و گرایش به نزاع دسته جمعی و نیز مستقل یا وابسته بودن هر یک از آنها نسبت به هم در مدل چگونه می‌باشد؟



شکل ۱- الگوی پیشنهادی ارتباط بین خشم صفت-حالت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی.

سرشماری کشور تعداد آنها در حدود ۳۲۵۲۰۴ هزار نفر است. اندازه نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و خطای ۰/۰۵ در حدود ۴۰۰ نفر است.

روش نمونه‌گیری و اندازه نمونه

نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. ابتدا با استفاده از نقشه جامع استان کهگیلویه و بویراحمد، شهرهای یاسوج، دنا، چرام و دهدشت، باشت و گچساران و بهمئی

مناسب خشونت و پرخاش و کمبود برخی امکانات و تجهیزات خدماتی از جمله مشکلات این مناطق از شهر زنجان در مقطع کنونی است.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی است از نظریه‌های روان‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده پیرامون نزاع دسته جمعی و پژوهش‌های انجام شده در این باره. طبق نظریه‌های مطرح شده پیرامون نزاع دسته جمعی و پژوهش‌های انجام شده در این باره، نزاع دسته جمعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و چند بعدی، علل و عوامل متفاوتی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی این عوامل را می‌توان به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم کرد. در پژوهش حاضر، با توجه به کثرت تحقیقات مرتبط با علل اجتماعی گرایش به نزاع دسته جمعی، تنها علل فردی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در واقع، در این پژوهش متغیرهای خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم را به عنوان عوامل فردی و روان‌شناختی مرتبط با گرایش به نزاع دسته جمعی که بر

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد نظر برای انجام پژوهش حاضر، روش غیرآزمایشی است که به لحاظ نوع، پیمایشی و به لحاظ شیوه اجرا، مقطعی است.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان ۴۰-۱۵ ساله استان کهگیلویه و بویراحمد است که براساس نتایج آخرین

بخش اول درجه‌بندی می‌شود. مقیاس خشم صفت دارای دو زیر مقیاس زیرمقیاس شامل: خلق و خوی خشمگینانه و واکنش خشمگینانه است. بخش سوم ۳۲ ماده را دربرمی‌گیرد که در یک مقیاس چهاردرجه‌ای از «تقریباً هرگز = ۱» تا «همیشه = ۴» درجه‌بندی می‌شود و بروز و کنترل خشم را می‌سنجد و چهار زیرمقیاس بروز خشم بیرونی (بروز یافته)، بروز خشم درونی (فرو خورده)، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی را مورد سنجش قرار می‌دهد. ضرایب پایایی زیر مقیاس‌های سیاهه خشم صفت - حالت با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسط خدایاری فرد (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب پایایی زیرمقیاس‌های خشم حالت، خشم صفت، ابراز خشم درونی، ابراز خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و کنترل خشم بیرونی با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۳، ۰/۶۰، ۰/۷۳، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین، ضرایب بازآزمایی برای این زیرمقیاس‌ها در مطالعه او به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۵۸، ۰/۷۲، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در بخش‌های خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی به ترتیب برابر ۰/۹۴، ۰/۸۸، ۰/۸۱ و ۰/۸۳ به دست آمد.

شیوه گردآوری اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های جمع‌آوری شده در محیط SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای بررسی روابط متغیرها با متغیر وابسته از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل رگرسیون همزمان و تحلیل مسیر استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های دموگرافیک و یافته‌های توصیفی آزمودنی‌ها

بر اساس نتایج توصیفی حاصل از پژوهش میانگین سنی آزمودنی‌ها برابر ۲۷/۵۶ بود. نتایج توصیفی حاصل از توزیع آزمودنی‌ها بر اساس شهر محل سکونت نشان داد که شهر

مشخص شدند. در مرحله بعد به نسبت جمعیت هر شهر، نمونه آماری از آن شهر انتخاب شد. در مرحله نهایی با شناسایی دقیق کوچه‌ها، تلاش شد نمونه‌های تحقیق به طور کاملاً تصادفی انتخاب شوند.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه گرایش به نزاع دسته‌جمعی: این پرسشنامه توسط میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) تهیه شده است و دارای ۱۳ گویه می‌باشد که دو بعد رفتاری و شناختی را مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های ۱ تا ۸ بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای شامل: کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف می‌باشد که بعد رفتاری نزاع دسته‌جمعی را مورد سنجش قرار می‌دهند. گویه‌های ۹ تا ۱۳ نیز بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای شامل: خیلی زیاد، زیاد، تاحدودی، کم و خیلی کم می‌باشد که بعد شناختی نزاع دسته‌جمعی را مورد سنجش قرار می‌دهد. میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) روایی و پایایی پرسشنامه گرایش به نزاع دسته‌جمعی را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل آنها بیانگر آن است که میزان واریانس تبیین شده در گرایش به نزاع دسته‌جمعی ۴۴/۹۸ است. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در مطالعه آنها نیز برابر با ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در ابعاد گرایش رفتاری، گرایش شناختی و گرایش کل به نزاع دسته جمعی به ترتیب برابر ۰/۸۳، ۰/۸۰ و ۰/۸۸ به دست آمد. سیاهه بروز خشم حالت - صفت اسپیلبرگر - ۲: این سیاهه ۵۷ ماده دارد و شامل شش مقیاس و پنج خرده مقیاس است و ماده‌های آن در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول به اندازه‌گیری خشم حالت می‌پردازد که در آن آزمودنی‌ها شدت احساس خود را بر اساس مقیاس چهار گزیده‌ای از «به هیچ وجه = ۱» تا «خیلی زیاد = ۴» درجه‌بندی می‌کنند. این بخش ۱۵ ماده را دربرمی‌گیرد و شامل مقیاس خشم حالت و زیرمقیاس‌های آن: احساس خشمگینانه، تمایل به بروز کلامی خشم و تمایل به بروز فیزیکی خشم می‌باشد. بخش دوم با ۱۰ آیتم به سنجش خشم صفت اختصاص دارد و همانند

نتایج حاصل پژوهش در مورد وضعیت اشتغال آزمودنی‌ها، نشان داد که ۵۲/۲٪ (۲۰۹ نفر) از آزمودنی‌ها بیکار، ۲۳/۲٪ (۹۳ نفر) دارای شغل آزاد، ۲۲/۵٪ (۹۰ نفر) دارای شغل اداری و کارمند هستند و حدود ۲٪ (۸ نفر) به این آیتم پاسخ ندادند. افزون بر این، یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش در جدول ۱ قابل ملاحظه است.

یاسوج با ۳۴٪ (۱۳۶ نفر)، بیشترین تعداد آزمودنی و بهمئی با ۵٪ (۲۰ نفر) کمترین تعداد آزمودنی را به خود اختصاص داده است. نتایج حاصل از پژوهش در مورد وضعیت تحصیلات آزمودنی‌ها نشان داد که ۴۴/۲٪ (۱۷۷ نفر) از آزمودنی‌ها دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم، ۳۲/۵٪ (۱۳۰ نفر) دارای مدرک لیسانس، ۱۳/۸٪ (۵۵ نفر) دارای مدرک زیر دیپلم، ۷٪ (۲۸ نفر) دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند و حدود ۲/۵٪ (۱۰ نفر) به این آیتم پاسخ ندادند. همچنین،

جدول ۱- یافته‌های توصیفی مربوط به آزمودنی‌ها در متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، شیوه‌های کنترل خشم، گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

متغیرها	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی	انحراف استاندارد
خشم حالت	۲۱/۹۹	۴۵	۹/۴۱
احساس خشمگینانه	۷/۸۵	۱۵	۳/۴۹
تمایل به بروز کلامی خشم	۷/۱۹	۱۵	۳/۳۳
تمایل به بروز فیزیکی خشم	۶/۹۴	۱۵	۳/۳۶
خشم صفت	۲۰/۲۶	۳۰	۷/۰۷
خلق و خوی خشمگینانه	۷/۳۱	۱۲	۳/۱۴
واکنش خشمگینانه	۱۲/۹۵	۱۸	۴/۵۸
کنترل خشم بیرونی	۲۱/۶۱	۳۴	۴/۸۹
کنترل خشم درونی	۲۱/۹۸	۲۴	۵/۰۲
گرایش به نزاع دسته جمعی	۴۲/۶۰	۵۲	۱۰/۷۸
گرایش شناختی	۲۷/۴۵	۳۷	۶/۶۶
گرایش رفتاری	۱۵/۱۴	۲۰	۵/۰۸

ارتباط معناداری وجود دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از این تحلیل را در جدول ۲ قابل مشاهده است.

بررسی فرضیه‌های پژوهش
برای بررسی این فرضیه که بین متغیرهای خشم صفت- حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

جدول ۲- ضریب همبستگی بین خشم صفت- حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

متغیرها	گرایش به نزاع دسته جمعی	
	گرایش شناختی	گرایش رفتاری
خشم حالت	۰/۲۹**	۰/۳۴**
احساس خشمگینانه	۰/۲۳**	۰/۲۸**
تمایل به بروز کلامی خشم	۰/۲۸**	۰/۳۳**
تمایل به بروز فیزیکی خشم	۰/۲۹**	۰/۳۳**
خشم صفت	۰/۲۵**	۰/۳۰**
خلق و خوی خشمگینانه	۰/۲۰**	۰/۲۶**
واکنش خشمگینانه	۰/۲۵**	۰/۲۸**

($P < 0.01$)**

گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آن یعنی؛ گرایش شناختی به نزاع و گرایش رفتاری به نزاع نیز ارتباط مثبت و معناداری در سطح معناداری ۰/۹۹ وجود دارد (جدول ۲).

برای بررسی این فرضیه که بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد، نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از این تحلیل را در جدول ۳ قابل مشاهده است.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها برای بررسی ارتباط بین متغیرهای خشم صفت-حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها نشان می‌دهد که بین متغیر خشم حالت با گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = 0/34, P < 0/01$) و متغیر خشم صفت و گرایش به نزاع دسته جمعی ($P < 0/01$)، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ارتباط بین خرده مقیاس‌های خشم حالت، خشم صفت با گرایش به نزاع دسته جمعی نشان می‌دهد که بین کلیه خرده مقیاس‌های احساس خشمگینانه، تمایل به بروز کلامی و فیزیکی خشم، خلق و خوی خشمگینانه و واکنش خشمگینانه با متغیر

جدول ۳- ضریب همبستگی بین شیوه‌های کنترل خشم با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

متغیرها	گرایش به نزاع دسته جمعی	
	گرایش رفتاری	گرایش شناختی
کنترل خشم بیرونی	-۰/۲۶**	-۰/۲۴**
کنترل خشم درونی	-۰/۲۹**	-۰/۲۳**

($P < 0/01$)**

نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی گرایش به نزاع دسته جمعی بر اساس متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی نشان می‌دهد که این پیش‌بینی در سه گام به وقوع پیوست. در گام اول متغیر خشم حالت وارد معادله رگرسیون گردید و ۰/۱۱۵ درصد واریانس (تغییرات) متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی را پیش‌بینی کرده است و بهترین پیش‌بینی کننده این متغیر به شمار می‌رود. در گام دوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت و در مرحله دوم کنترل خشم درونی وارد معادله رگرسیون گردیدند و روی هم ۰/۱۵۸ درصد تغییرات متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی را پیش‌بینی کرده است و به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده این متغیر هستند. در گام سوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت، در مرحله دوم کنترل خشم درونی و در مرحله سوم خشم صفت وارد معادله رگرسیون گردیدند و روی هم ۰/۱۶۴ درصد تغییرات متغیر گرایش به نزاع دسته

نتایج حاصل از بررسی ارتباط بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها، نشان می‌دهد که بین کنترل خشم بیرونی با گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = -0/27, P < 0/01$)، گرایش شناختی ($r = -0/24, P < 0/01$) و گرایش رفتاری ($r = -0/26, P < 0/01$) ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همین‌طور، بین کنترل خشم درونی با گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = -0/29, P < 0/01$)، گرایش شناختی ($r = -0/23, P < 0/01$) و گرایش رفتاری ($r = -0/30, P < 0/01$) ارتباط منفی و معناداری مشاهده می‌شود (جدول ۳).

برای بررسی این سؤال که کدام یک از متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی پیش‌بینی کننده بهتری برای گرایش به نزاع دسته جمعی هستند، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده گردید. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۴ قابل مشاهده است.

نداشتند و از معادله حذف شدند (جدول ۴).

جمعی را تبیین کردند و به ترتیب بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های این متغیر هستند. بقیه متغیرها شرایط ورود به رگرسیون را

جدول ۴- نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی گرایش به نزاع دسته جمعی بر اساس متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی

مدل	بتا	مقدار t	R	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری
۱	۰/۳۴۲	۷/۲۰۶	۰/۳۴۲	۰/۱۱۵	۰/۰۰۰
۲	۰/۲۸۵	۵/۹۲۲	۰/۴۰۰	۰/۱۵۸	۰/۰۰۰
۳	۰/۲۰۶	۳/۴۵۲	۰/۴۱۳	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱
	-۰/۲۰۷	-۴/۳۰۴			۰/۰۰۰
	۰/۱۳۰	۲/۱۹۸			۰/۰۲۸

متغیر پیش‌بینی‌کننده در مدل ۱: خشم حالت

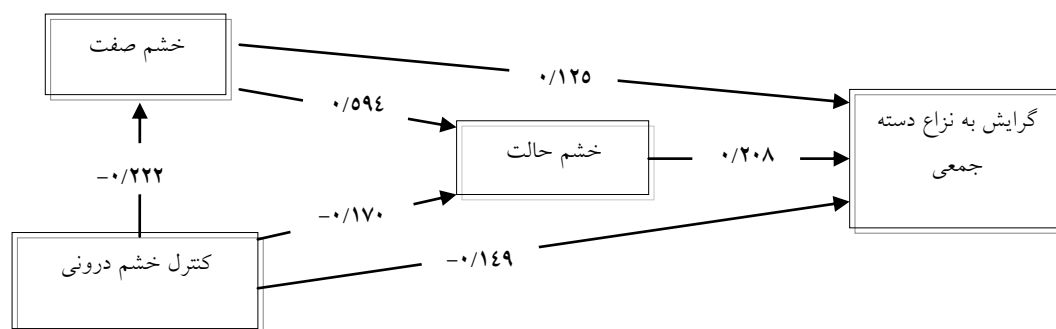
متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در مدل ۲: خشم حالت و کنترل خشم درونی

متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در مدل ۳: خشم حالت، کنترل خشم درونی و خشم صفت

متغیر ملاک: گرایش به نزاع دسته جمعی

مسیر استفاده گردید. برای به دست آوردن تحلیل مسیر از تحلیل رگرسیون هم‌زمان استفاده گردید. نتایج حاصل از تحلیل مسیر را می‌توانید در شکل ۲ ملاحظه نمایید.

برای بررسی این سؤال که رابطه بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و گرایش به نزاع دسته جمعی و نیز مستقل یا وابسته بودن هر یک از آنها نسبت به هم در مدل چگونه می‌باشد، از تحلیل



شکل ۲- نتایج تحلیل مسیر ارتباط بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و گرایش به نزاع دسته جمعی

عنوان متغیرهای مستقل و متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی به عنوان متغیر وابسته ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین، از سویی مدل نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین

همان‌طوری که در شکل ۱ نشان داده شده است، بین متغیرهای خشم حالت ($Beta = 0/208$)، خشم صفت ($Beta = 0/125$) و کنترل خشم درونی ($Beta = -0/149$) به

با نتایج حاصل از پژوهش‌های نظری (۱۳۸۶)، نویدی (۱۳۸۵)، لایو (۲۰۰۱)، داهلن و دیفن باخر (۲۰۰۱) و کالاماری و پینی (۲۰۰۳) همخوانی دارد، زیرا این محققان در تحقیقات خود نشان داده‌اند که خشم مهار نشده، نه تنها سازگاری و سلامتی افراد را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد، بلکه همواره تعداد فراوانی از مسائل بین‌فردی و اجتماعی از جمله نزاع دسته جمعی وجود داشته است که از این هیجان متأثر شده و خشونت و پرخاشگری قابل پیش‌بینی‌ترین پیامد آن است. به این ترتیب، از طرفی، خشونت و پرخاشگری مؤلفه تأثیرگذاری در نزاع‌های دسته جمعی است. از طرف دیگر، خشونت، آن چنان که در قضیه خونخواهی مطرح می‌شود، گروه‌ها یا خانواده‌ها را به جان هم می‌اندازد و دودستگی و تفرقه در بین گروه‌ها و افراد حاکم می‌کند و حتی ممکن است به کشته شدن چند فرد منجر گردد. نظری (۱۳۸۶) معتقد است که متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی تأثیر معنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات تأثیر معنادار منفی بر گرایش به نزاع دارند.

علاوه بر این، یافته‌های حاصل از بررسی این فرضیه که بین شیوه‌های کنترل خشم با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد، نشان داد که بین کنترل خشم بیرونی با گرایش به نزاع دسته جمعی، گرایش شناختی و گرایش رفتاری ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همین‌طور، بین کنترل خشم درونی با گرایش به نزاع دسته جمعی، گرایش شناختی و گرایش رفتاری ارتباط منفی و معناداری مشاهده شد. در واقع، هر چه افراد کنترل بیشتری بر خشم درونی و بیرونی خود داشته باشند، گرایش کمتری به نزاع دسته جمعی دارند. بنابراین، با توجه به نتایج حاصله، فرضیه دوم تأیید می‌گردد. این یافته با نتایج تحقیقات ریلی و همکاران (۲۰۰۲)، نویدی و برجعلی (۱۳۸۶)، شکوهی‌یکتا و همکاران (۱۳۸۷) و بقایی لاکه و خلعتبری (۱۳۸۹) همخوانی دارد. این محققان در تحقیقات خود نشان داده‌اند که شیوه‌های مدیریت و کنترل خشم به عنوان

متغیرهای خشم صفت ($Beta = 0/594$) و کنترل خشم درونی ($Beta = -0/170$) به عنوان متغیر مستقل و خشم حالت به عنوان متغیر وابسته وجود دارد. از سوی دیگر، بین کنترل خشم درونی ($Beta = -0/222$) به عنوان متغیر مستقل و خشم صفت به عنوان متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. این در حالی است که ارتباط بین کنترل خشم بیرونی و هیچ یک از متغیرهای وابسته معنادار نبود و بنابراین از مدل حذف گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش خشم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی بود. یافته‌های حاصل از بررسی این فرضیه که بین متغیرهای خشم صفت - حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد، نشان داد که بین متغیر خشم حالت با گرایش به نزاع دسته جمعی و متغیر خشم صفت و گرایش به نزاع دسته جمعی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ارتباط بین خرده مقیاس‌های خشم حالت، خشم صفت با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های گرایش شناختی به نزاع و گرایش رفتاری به نزاع نشان داد که بین کلیه خرده مقیاس‌های احساس خشمگینانه، تمایل به بروز کلامی و فیزیکی خشم، خلق و خوی خشمگینانه و واکنش خشمگینانه با متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آن یعنی؛ گرایش شناختی به نزاع و گرایش رفتاری به نزاع ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد. در واقع، نتایج حاصل از این فرضیه نشان می‌دهد که افرادی که از میزان خشم صفت و حالت یعنی؛ احساس خشمگینانه، خلق و خوی خشمگینانه، تمایل به بروز فیزیکی و کلامی خشم و واکنش خشمگینانه بیشتری برخوردار باشند، گرایش بیشتری به نزاع دسته جمعی، چه به صورت شناختی و چه به صورت رفتاری دارند. این یافته‌ها

عنوان متغیرهای مستقل و متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی به عنوان متغیر وابسته ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. این در حالی بود که ارتباط بین کنترل خشم بیرونی و هیچ یک از متغیرهای وابسته معنادار نبود و بنابراین از مدل حذف گردید. این نتایج با یافته‌های با نتایج تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۳)، رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. در واقع، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آثار ضعف و کاستی در مدیریت خشم، فراتر از ناراحتی‌های شخصی و تخریب روابط بین فردی، می‌تواند منجر به اختلال در سلامت عمومی، بروز ناسازگاری عمومی و پیامدهای زیانبار رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود و در صورتی که این هیجان نیرومند به درستی مهار نشود می‌تواند مانع موفقیت همه جانبه و کارکرد بهینه افراد، گروه‌ها و جوامع شود. از طرفی، محققان در تحقیقات خود به این نکته اشاره داشته‌اند که گرایش ذاتی به ابراز خشم به صورت فیزیکی یکی از علت‌های درگیری و نزاع می‌باشد. در بررسی این نتیجه می‌توان به این نکته نیز اشاره داشت که افراد ذاتاً پرخاشگر در برابر شرایط محیطی تحریک کننده، خیلی زود از کوره در می‌روند و تمایل بیشتری دارند که در برابر این موقعیت‌ها واکنش پرخاشگرانه داشته باشند و شروع کننده نزاع‌ها باشند. آنها به خاطر صفت پرخاشگری که دارند، تمایل بیشتری دارند که به نزاع و درگیری ادامه دهند و ادامه نزاع و درگیری باعث وارد شدن افراد دیگری به نزاع خواهد شد که این در نهایت به نزاع دسته جمعی منجر خواهد گردید. در همین رابطه ربانی و همکاران (۱۳۸۳) معتقدند که پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی تأثیر افزایشی دارد. همچنین، نتایج پژوهش رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) نشان داده که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معنادار مثبت با گرایش به نزاع‌های دسته جمعی می‌باشد.

بنابراین، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که متغیرهای خشم صفت - حالت و شیوه‌های

خصیصه‌های شخصیتی می‌توانند نقطه عطف بسیاری از اختلالات و آسیب‌های اجتماعی مثل: خشونت، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، پرخاشگری، سوء مصرف مواد و درگیری‌های دسته جمعی باشند. در همین رابطه ریلی و همکاران (۲۰۰۲) معتقد هستند که معمولاً افرادی که به درستی با مدیریت خشم آشنا نیستند و استراتژی‌های خاصی برای کاهش و مقابله به خشم خود ندارند، هنگامی که با خشم روبه‌رو می‌شوند، معمولاً اقدام به پرخاشگری و برون‌ریزی خشم می‌کنند و بر عکس افرادی که از راهبردهای کنترل خشم کارآمدی برخوردارند، در رویارویی با خشم، کنترل خود را حفظ می‌کنند و با استفاده از راهبردهای فوری و پیشگیرانه‌ای که در آنها مهارت لازم را دارند رویدادهای خشم برانگیز را به راحتی کنترل می‌کنند. شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی دریافتند که آموزش مدیریت خشم بر کاهش خشم و افزایش استفاده از راهبردهای کنترل خشم تأثیر مثبت دارد.

نتایج رگرسیون گام به گام برای بررسی این سؤال که کدام یک از متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی پیش‌بینی کننده بهتری برای گرایش به نزاع دسته جمعی هستند، نشان داد که پیش‌بینی در سه گام به وقوع پیوست. در گام اول متغیر خشم حالت وارد معادله رگرسیون گردید و بهترین پیش‌بینی کننده گرایش به نزاع دسته جمعی بود. در گام دوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت و در مرحله دوم کنترل خشم درونی وارد معادله رگرسیون گردیدند و این دو متغیر به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده گرایش به نزاع دسته جمعی بودند. در گام سوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت، در مرحله دوم کنترل خشم درونی و در مرحله سوم خشم صفت وارد معادله رگرسیون گردیدند و این سه متغیر به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌های گرایش به نزاع دسته جمعی بودند. علاوه بر این، نتایج حاصل از بررسی تحلیل مسیر نشان داد که بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت و کنترل خشم درونی به

بقایای لاکه، مژده و خلعتبری، جواد. (۱۳۸۹). «اثر بخشی برنامه آموزش مدیریت خشم بر کنترل و خودنظم‌دهی خشم و تکانشگری مادران دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر رشت»، *دوفصلنامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان*، سال ۲۰، ش ۶۳، ص ۱-۹.

پورافکاری، نصرالله. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

خدایاری فرد، محمد. (۱۳۸۶). *بررسی ویژگی‌های روانسنجی و هم‌جاریایی سیاهه ابراز خشم صفت - حالت ۲ اسپیلیبرگر در بین دانشجویان دانشگاه تهران*، طرح تحقیق دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.

ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی نظام اجتماعی*، سال اول، شماره سوم، ص ۱۰۳-۱۲۶.

رضایی کلواری، نورالله و بحرینی، مجید. (۱۳۸۹). «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۲، ص ۱۳۷-۱۶۲.

ستوده، هدایت. (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چاپ شانزدهم. تهران: آوای نور.

سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

شکوهی یکتا، محسن؛ به‌پژوه، احمد؛ غباری‌بناب، باقر؛ زمانی، نیره و پرند، اکرم. (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش مهارت‌های

مدیریت و کنترل خشم به عنوان خصیصه‌های شخصیتی می‌توانند نقطه عطف بسیاری از درگیری‌های دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد باشند. لذا، به خانواده‌ها و دست‌اندرکاران توصیه می‌شود با کاهش عوامل ایجادکننده خشم حالت مانند مورد حمله واقع شدن، تهدیدات غیرمنصفانه، بی‌عدالتی و ناکامی، زمینه‌های ایجاد چنین خشمی را از بین ببرند تا از این طریق نیز بتوانند عوامل ایجادکننده خشم صفت که شامل تمایل به ادراک موقعیت‌ها به عنوان موقعیت‌های آزاردهنده و ناکام‌کننده است، از بین ببرند. همچنین، به خانواده‌ها و دیگر دست‌اندرکاران نیز توصیه می‌شود شیوه‌های کنترل خشم مناسب را که می‌تواند در شرایط بحرانی و محرک‌زا به افراد کمک کند، آموزش دهند، تا در نهایت از طریق تقویت این متغیرهای روان‌شناختی در افراد و خانواده‌ها بتوان از گرایش افراد به نزاع‌های دسته‌جمعی کاست.

منابع

ابوئی مهریزی، محبوبه؛ طهماسیان، کارینه؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). «تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد-نوجوان در دختران دوره راهنمایی شهر تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ششم، ش ۲۳، ص ۳۹۳-۴۰۴.

احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.

اصغری مقدم، محمدعلی؛ حکیمی‌راد، الهام؛ رضازاده، طاهره. (۱۳۸۷). «اعتباریابی مقدماتی نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه حالت صفت بیان خشم در جمعیت دانشجویی»، *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار*، سال پانزدهم، ش ۲۸، ص ۲۱-۳۵.

بخارایی، احمد. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

انتشارات آشنایی.

نویدی، احد. (۱۳۸۵). آزمودن تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خود نظم‌دهی خشم، سازگاری و سلامت عمومی پسران دوره متوسطه شهر تهران، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

نویدی، احد و برجعلی، احمد. (۱۳۸۶). «اثرات اجرای یک برنامه آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خود نظم‌دهی خشم پسران دبیرستانی»، پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۱۰، ش ۳ و ۴، ص ۸۱-۸۵.

Calamari, E., & Pini, M. (2003) "Dissociative Experiences and Anger Proneness in Late Adolescent Females with Different Attachment Styles". *Journal of Adolescence*, vol. 38, p 287-288.

Dahlen, E. R., & Deffenbacher, J. L. (2001) *Anger management: Empirically supported cognitive therapies; Current status and future promise*. New York: Springer P.C

Lau, B.V. K. (2001) "Anger in Our Age of Anxiety: What Clinicians Can Do". *The Hong Kong Practitioner*, vol. 23, p 258-264.

Railly, P.M. Shopshire, M.S.S., Durazzo, T.C., & Campbell, T.A. (2002) *Anger management for substance abuse and mental health clients: Participant work book*. Rockville: SAMSHA.

مدیریت بر کنترل خشم مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی و دیرآموز، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال هشتم، ش ۴، ص ۳۵۸-۳۶۹.

کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه و جباری، کاظم. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرایم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان»، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، ص ۷۳-۱۰۰.

ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشارات.

میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق‌نیا، آسیه. (۱۳۸۹). میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل اجتماعی-فرهنگی تأثیرگذار بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج.

نظری، جواد. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در استان ایلام، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا):

Anger as a Train and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression

Fariborz Nikdel *

Assistant Professor, Department of Psychology, Yasouj University, Iran

Ali Akbar Pirasteh Motlagh

M.A. in Psychology

**Corresponding author, e-mail:fnikdel@yu.ac.ir*

Introduction

Ethnic disputes and collective aggressions are observable in each period of history and are more evident in traditional and nomadic communities. This issue has had many life and property damages in the past and present times and it has also prevented social development to flourish. Based on the damages of collective aggression, the researchers attempt to study the fundamental causes of this problem. It is assumed that state-trait anger and anger control methods are effective variables on people's tendency toward collective aggression. Therefore, determining the effective factors on collective aggression is of great importance from social, family and individual aspects. The theoretical framework of the present study is the combination of psychological and social- psychological theories regarding collective aggression. According the theories regarding collective aggression and relevant researches, collective aggression stems from different factors and reasons as a multi-dimensional social phenomenon. In a general classification, these factors are divided into individual and social factors. Based on various researches regarding social reasons of tendency to collective aggression, only the individual and psychological causes have been investigated. Indeed, this study evaluated state-trait anger and anger control method variables as individual and psychological factors related to tendency to collective aggression.

Materials & Methods

The study method is non-experimental and it is a survey in terms of type and cross section in terms of time. The study population is all citizens of the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province whose age is between 14 and 50 years old. Based on the latest census, they include 325204 individuals. The sample size is 400 based on Cochran's formula. The sampling method is stratified random. Two questionnaires were used to measure the variables: a) Tendency to collective aggression survey is designed by Mirfardi et al. (2010) with 13 items evaluating behavioral and cognitive aspects, b) Spielberger's. State-Trait Anger Expression, which is composed of 57 questions- 6 scales and 5 subscales and divided into 3 sections: state anger, trait anger and anger control methods.

Discussion of Results and Conclusions

The present study aimed to evaluate the role of state-trait anger and anger control methods in people tendency to collective aggression. The results showed that there is a positive and significant relationship between state anger, tendency to collective aggression and trait anger variables with tendency to collective aggression. The relationship between subscales of state anger, trait anger with tendency to collective aggression and cognitive tendency subscales to aggression and behavioral tendency to aggression showed that there is a

positive and significant relationship between anger feeling subscales, verbal and physical expression of anger, angry mood and angry reaction with the variable of tendency to collective aggression and its subscales, cognitive tendency to aggression and behavioral tendency to aggression. Indeed, the results of the hypotheses showed that the people with high trait and state anger (feeling angry), show more angry moods, tendency to physical and verbal expression of anger and angry reactions. So they have a high tendency to collective aggression; cognitive and behavioral. Uncontrolled anger not only jeopardizes adaptability and health of the people, but also various examples of interpersonal and social issues including collective aggression are affected by this emotion and violence and aggressiveness are the most predictable outcomes in this regard. Therefore, violence and aggressiveness are effective components on collective aggression. On the other hand, violence in retaliation leads to group or family conflicts. In addition, the results showed that there is a negative and significant relationship between anger-out control with tendency to collective aggression. Also, there is a negative and significant relationship between anger-in control and tendency to collective aggression. Indeed, the more people control anger-in and anger-out, the less the tendency to collective aggression. Also, the results showed that 3 variables of

state anger, anger-in control and trait anger, are the best predictors of tendency to collective aggression, respectively. In addition, the results of path analysis showed that there is a direct and significant relationship between state anger, trait anger and anger-in control and independent variables and tendency to collective aggression and dependent variable. The relationship between anger-out control and none of the dependent variables was significant so it was excluded from the model.

Therefore, based on the results of the study, state-trait anger variable and anger control and personality specifications can be turning points of many collective aggressions in the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. Therefore, it is recommended to the authorities that states anger factors should be controlled and reduced. It is also recommended to train good anger control methods which help people who are under critical condition. By improving these psychological variables among people and families we can be hopeful to reduce tendency of people towards collective aggression.

Keywords: Anger as a Trait and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression

References

- Abou Mehri, M. Tahmassian, K. Khosh Konesh, A. (2010) "The Impact of Anger Management Training on Anger Self-Regulation Skills and Parent- Adolescent Conflicts in Female Adolescents of Junior High (Guidance) Schools in Tehran." *Journal of Family Research*, No. 6(3), p 393-404.
- Ahmadi, H. (2006) *Sociology of Deviance*. First Edition. Tehran: SAMT Publications.
- Asghari Moghaddam, M. Hakimi Rod, E. Rezazadeh, T. (2008) "Preliminary Validation of Trait – State Questionnaire Revised Version of Anger Expression in the Student Population." *Daneshvar (Raftar) Shahed University*, No. 15(28), p 21-35.
- Baghaie Lakeh, M. Khalatbari, J. (2010) "Efficacy of anger Management Teaching on Anger Self-Regulation and Impulsivity in Mothers of Elementary School Boy Students in Rasht." *Journal of Nursing and Midwifery Faculty of Guilan Province*, No. 20(63), p 1-9.
- Bukharaie, A. (2012) *Sociology of Social Deviance*. Second Edition. Tehran: Payam Noor University Publications.
- Calamari, E. & Pini, M. (2003) "Dissociative Experiences and Anger Proneness in Late Adolescent Females with Different Attachment Styles." *Journal of Adolescence*, No. 38, p 287- 288.
- Dahlen, E.R. Deffenbacher, J.L. (2001) *Anger management: Empirically supported cognitive therapies; Current status and future promise*. New York: Springer P.C.
- Kalantari, M. Ghezelbash, S. Jabari, K. (2010) "The Spatial Analysis of Urban Delinquency Using Cornell Density Estimation Model, Case Study: Wickedness Offenses, Strife and Conflict in the Zanzan City." *Journal Order and Social Security*, No. 2(3), p 73-100.
- Khodayarifard, M. (2007) *The Study of Psychometric Properties and Normalization of Spielberger's State-Trait Anger Expression Inventory-2 (STAXI-2) Among of Students*. Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.
- Lau, B.V.K. (2001) "Anger in Our Age of Anxiety: What Clinicians Can Do." *The Hong Kong Practitioner*, No. 23, p 258-264.
- Mirfardi, A. Ahmadi, S. Sadeghnia, A. (2010) *The Rate of Tendency to Collective Conflict among 15-65 Years Old Men of Boyer-Ahmad Cotry and Social and Cultural Factors Influencing it*. M.Sc. Thesis in Sociology. Department of Social Sciences. Yasuj University.
- Momtaz, F. (2002) *Social deviance: perspectives and theories*. First Edition. Tehran: Publishing Joint Stock.
- Naveedy, A. (2006) *the Efficacy of Anger Management Training on Adjustment Skills of High School Male Students in Tehran*. Ph.D thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaie University in Tehran.
- Naveedy, A. Borjali, A. (2007) "The Impacts of Implementation of a Anger Management Training Program on Anger Self-Regulation Skills High School Boys." *Psychological Research*, No. 10(3&4), p 81-85.
- Nazari, J. (2007) *Sociological Explanation for the Rate of Tendency to Collective Conflict in Ilam province*. Social Deputy of Islamic Republic Police of Iran (NAJA): Ashenaie Publications.
- Poorafkari, N. (2004) *Local Collective Strife*. Proceedings of the First National Congress of Iranian Sociological Issues Pose, Tehran: Allameh Tabatabaie University Publications.
- Rabbani, R. Abbas, M. Theoretically, J. (2004) "Study on Social- Cultural Effective Factors on Tendency to Collective Aggression (Case Study in Selected Districts of Ilam Province)." *Societal Security Studies*, No. 1(3), p 103-126.
- Railly, P.M. Shopshire, M.S.S. Durazzo, T.C. Campbell, T.A. (2002) *Anger management*

for substance abuse and mental health clients: Participant work book. Rockville: SAMSHSA.

Rezaie Klvary, N. Bahraini, M. (2010) "The Study of Sociocultural Factors Relationship with Collective Disputes, Ethnic and Tribal in the Lordeghan City." *Social Security Studies*, No. 22, p 137-162.

Salimi, A. Davari, M. (2007) *Sociology of deviant (Studies Set of Deviance and Social Control)*. Qom: Center for Universities and Seminaries.

Shookohi Yekta, M. Beh Pazhovh, A. Ghobary Bonab, B. Zamani, N. Parand, A. (2008) "The Effect of Anger Management Skills Training on Controlling Anger in Mothers of Student with Intellectual Disability and Unapt." *Research on Exceptional Children*, No. 8(4), p 358-369.

Sotoudeh, H. (2003) *Social Pathology*. Sixteenth Edition. Tehran: The Publications of Light Sound.

